

Hassan Soroush Nia:
!فرهنگ اصطلاحات آبادانی

آ

آب جوجه = نام دیگر نخودگر مک! از غذاهای مورد علاقه آبادانیها در ایام سرما
آلو = سیب زمینی
آمو (عامو) = عمو
کفش = (Orsi) ارسی
روسیه وجود داشته (در زمان جنگ جهانی دوم) و به A اروسیه (عروسیه) = اسم محلی در آبادان. سابقا در این محل کمپ
تدریج به این صورت درآمده
اسپکتور = سرشفت حراست که با موتورسیکلت سه چرخه گشت میزد
اسبیتال = بیمارستان شرکت نفت
اشکل کیلی = بازی روپایی زدن با توپ فوتبال
او داغک = اشکنه
اوستور = فروشگاه
اروندکنار = از شهرهای تابعه آبادان. دقیقا در دهانه اروند رود و در محل ورود اروند به خلیج فارس واقع شده
!پیچ گوشتی (screwdriver) = اسکرو
اشتک = ورق بازی به سبک آبادانی
اشکندن = شکستن
الفی = نام قدیم میدان فرهنگ، البته هنوز به همین اسم مطرح است. فلکه ابتدای بریم
انکس = نام قدیم فرهنگسرای نفت واقع در فلکه الفی، اولین ساختمان خاور میانه که مجهز به دستگاههای تهویه مطبوع بود.
هنوز در بین مردم به اسم انکس مشهور است
اولین نام آبادان در عهد باستان به معنای جایی که در آن آب پاسداری میکنند = (o-pat-an) اوپاتان

ب

باس = اتوبوس
بریم = از محله های متعلق به شرکت نفت، در معنی اسم آن دوقول وجود دارد: 1- از اسم خرماي بریم گرفته شده که در
قدیم در این محل نخلستانهای وسیعش وجود داشته و 2- نام فردی ملقب به ابو ابراهیم بوده که در این محل با قبیله اش
زندگی میکرد و بعدها بصورت بریم درآمده
انگلیسی گرفته شده Pump House شیرآب، کلمه ایست که از (bambo) = بمبو
بوارده = از محله های متعلق به شرکت نفت. شامل بوارده شمالی و جنوبی. مشهور است که از کلمه ابوورده (پدر گل
سرخ) که نام شیخی بوده که با قبیله اش در آن محل زندگی میکرد گرفته شده است
بهمنشیر = نام رودخانه ای و نام محله ای در آبادان که شامل تانکی یک و تانکی دو میشود
بوی روم = (اتاق پسر) بخشی از منازل شرکتی که معمولا شامل یک اتاق با سرویسهای بهداشتی مختصر و آشپزخانه
است. در زمان انگلیسها این اتاقها متعلق به مستخدمین هندی آنها بوده که توسط انگلیسها بوی نامیده می شده اند
سوسک = (Botol) بتل
اردک = (Bashoosh) بشوش
شیرینی گرد و رنگی عربی = (Besh moosh) بش موش
آدم و راج و پررو = (Bolkom) بلکم
قایق = (Balam) بلم
تانکی = (Benj) بنج

منازه بریم = (Bangele) بنگله
بوکسری = مدل مو برای آقایان
بوچ = چوب پنبه برنگ کرم که بعنوان سر شیشه استفاده میشد
بوشش کن = در اصطلاح رانندگی رانده های شرکت نفت میگفتن بوشش کن (دنده آزاد کن)
گرفته شده Boiler Suit لباس کار ظاهرا از کلمه = (Behlar soot) بیلرسوت
یه نوع جانور مثل ماهی ریز که در جوی بود = (Bish lambo) بیش لمبو
بیریک = ترمز
بی اس لمبر = شماره کارگری

پ

پا پتی = پا برهنه
پلاس = انبر دست (گاز انبر)
پلیت باز = بازی با سر نوشابه و سنگ
پریمس (پریموس) = وسیله ای که برای پخت غذا استفاده میشد (گاز پیک نیکی)
پایدان = رکاب دو چرخه چرخ
پمپوس یا پمپوز = پمپ استیشن
پلیت = فلز یا قطعات فلزی
پاسورک = بادام
پاکریا = نام استخر کارمندی تانکی دو
پین = سوزن ته گرد
پیپ = شیلنگ آب
پاس = مجوز ورود به پالایشگاه یا باشگاههای آن. در قدیم برای ورود به سرویسهای نقلیه هم بکار برده میشده
پاکوره = نوعی غذای آبادانی هندی الاصلو در نتیجه تند

ت

تانک فارم = (مزرعه مخازن) منطقه ای نزدیک کوی ذوالفقاری که مجموعه بسیار بزرگی از مخازن نفتی است و بعد از جنگ از آن استفاده خاصی نمیشود
تانکی ابوالحسن = نام محلی و میدانی در آبادان. اسم ابولحسن را نمیدانم به چه علت بر رویش گذاشته اند و اینکه این ابوالحسن کی بوده
یک کلمه با معانی بسیار! در قدیم به گشتن کودکان در جویها برای یافتن اشیای بی ارزش می گفته اند و (teise) = تیسه
!امروزه به ناخنک زدن و بلند کردن اشیاء بصورت نیمه شوخی نیمه جدی
تماته = گوجه
تکنیکال = دانشکده نفت
ترنینگ = کارآموزی
ترق تروق = یک بازی بچه گانه
تنگ تنگو = ملخ
تیاره = هواپیما
نیمپو = ضرب موسیقی

تیپ = استیل لباس پوشیدن
تکه بازی = نام بازی بود که دخترها بازی میکردن (لی لی)

ج

توری فلزی برای محافظت دیوارها و همچنین پوشاندن پنجره ها (jail) = جالی
درباقلی = پیرمرد آهن فروشی که در انتهای کوی ذوالفقاری زندگی میکرد و با فداکاریش باعث شد که آبادان به دست
عراقیها سقوط نکند
جفت کردن = یعنی طرف از ترس جا زد
جاشو = کارگر کشتی (ملوان)
جام = شیشه
جسر = پل بهمنشیر
جورج یونانی = نام عکاسی که ارمنی بود
جالی = فنس
جالی جالی بستم = نام بازی

چ

چپه = کنایه از اینکه کسی را له و لورده کردن
چار میخه = کنایه از اینکه دست و پای کسی را بستن
چرخک = قرقره
چپکی = بیراهه
چک و چول = کثیف
چارلی بازی = دلفک بازی (درواقع قسمت اول اسم چارلی چاپلین است)
چالو = روشن
چمري = ابتدای خارك که کوچك و کمی سبز رنگ و نرم
چیتی = کوپن نفت که به کارگرهای شرکت نفت میداند
چهار

گران = زمین بازی
چراغ لیت = چراغ دستی
چپک = دست زدن
چش بندو = نام بازی بچه ها(قایم باشک)

ح

حبانه = ظرف سفالی برای آبخوردن (کلمن)
حل حله گرگه چنبري = بازی دخترانه
حشو = سبزی ماهی با کلیه ملخفاتش

خ

نوعی خوردنی زرد رنگ که از درخت خرما درست می کردند = khereyti - خریدنی
خاکسوز = قبرستان
!خسرو چینی = فردی که قیافه ای شبیه به چینی ها داشته
خنجر بالی = آب نباتی که بشکل خنجر درست می کردن
خاک مکینه = خاکی که از آن برای پاک کردن ظروف استفاده می کردند مثل تاید یا مایع ظرفشویی
خرما چپون = کنایه از فشرده
خدا رو کولت: اصطلاحی است با معانی بسیار از جمله: دمت گرمه، خدا خیرت بده، کارت درسته و ... بستگی به لحن و
!مکان گفتن جمله داره

د

درام = بشکه
دله = بشکه
دولاب = کمد
دبش = عالی
دیری فارم = نام باغ گاو داری شرکت نفت نزدیک جزیره مینو
دیری = رتب خشک شده
دال عدس = نوعی غذا
دی گل = چاپلوس

ر

((wrong-side حرکت کردن وسیله نقلیه در جهت خلاف مسیر قانونی = ramseid) رامسید
رنگینک = نوعی شیرینی که با خرما و آرد و روغن و ... درست میشود
رون شوز (رین شوز) = پوتین
رشاد = شاهی (سبزی)
رجستر (لجستر) = شماره کارمندی
رشن = جایی که کارگرهای شرکت نفت میرفتن خواربار می گرفتند
(raybon) ربین = عینک آفتابی مخصوص آبادانیها

ز

زفر = بوی بد ماهی
زلیبی = زولبیا

س

نام محله ای در آبادان (sadde) = سده
از روستاهای چسبیده به آبادان که الان جزئی از شهر به حساب میاد و پشت رودخانه بهمنشیر واقع شده (selej) = سلج
به معنی گل و لای گرفته شده باشه Sludge شامل سلج شرقی و غربی. اسم سلج میتونه از
به همین معنی مشتق شده Salvage به معنای انبار وسایل اسقاطی و غیرقابل مصرف. از کلمه، (salvij) = سلویج
... نام غذایی آبادانی معمولاً مثلثی شکل! شمل مخلفاتی مانند سیب زمینی و سبزیهای معطر و (samboose) = سمبوسه
پیچانده شده در درون نان نازک و سرخ شده درون روغن
سنج و دمام = موسیقی محلی آبادان و بوشهر که بیشتر در عزاداریها نواخته میشود
سوگ العریان = (بازار لخت) نام قدیم بازار ایستگاه 7 بهار. ظاهراً بدلیل ساده بودن به این اسم معروف بوده
(محله سیکها) نام محلی در آبادان که سابقاً در آن هندیها زندگی میکردند. سابقاً در این محل [sik(h)-Lane] = سیکلین
معابد سیکها وجود داشته
سیب گلابی = مایعی شیرینی مخلوط (جوهر و شکر و آب جوش میدادند برنگ قرمز) بعد يك چوب فرو میکردن تو سیب و
سیب گلاب را در این مایع آغشته میکردن تا رنگ بگیره مثل آب نبات بشه
سیکل = دوچرخه
سنتر استور = فروشگاه مرکزی که تمام اجناس فروشگاههای شرکت نفت در آن نگهداری میشد
سر تا سر = یک نوع شیرینی که بصورت مارپیچ در سینی ریخته میشده و هر کس با 2 ریال تا آنجایی که میتونسته و
شیرینی تکه نمیشده میتونسته شیرینی برداره
مستقیم = (see the) سی ده
نگاه کردن - سی کن = نگاه کن = (sey) سی
سی برنج = نام یکی از قسمتهای پالایشگاه
سبخی = جایی که تمام وسایل از رده خارج را در آن نگه داری میکردند و همچنین به معنای جای بیابان مانند
سپرتاس = ظرفی سه تکیه که بوسیله يك دسته به هم وصل میشد (ناهار بری)
سیگار لفت = سیگاری که با تنباکو و کاغذ درست میکردند معروف به سیگار تف نشان

ش

شیرشکر = شیر عسلی
!شهر = وقتی میخواستند بروند به چهار راه امیری (مرکز شهر) میگفته اند شهر
شکر چیان = جایی که بستنی سنتی درست میکرد اصطلاح امروزه تریا
از روستاهای عرب نشین آبادان (shoteit) = شطیپ

ص

یک نوع ماهی که در تنور پخته میشود = (soboor) صبور

ط

طیاره = بادکنک (با کاغذ و سریشم) و همچنین هواپیما
طیب = نام میدانی در آبادان. از اسم حاج طیب گرفته شده که ظاهراً در ایام ملی شدن نفت از
!بزن بهادرهای آبادان بوده

ف

فاطو = فاطمه
فیدوس = نام آژیوری که سابقاً برای بیدار کردن و آماده به کار شده مردم توسط پالایشگاه نواخته میشده و صدای آن در کل
!شهر شنیده میشده. از همه مهمتر اسم مجله اینترنتی ما
فیس = ناز کردن
محلّه ای در آبادان بعد از ایستگاه ۱۲ بهار. امروزه بعلت وجود دانشگاه آزاد و دبیرستان تیزهوشان از (fai'ie) = فیه
!مراکز علمی به حساب میاد
فیت = سایز

ق

دکه = (Ghomare) قماره
قلیه ماهی = نوعی خورش که با ماهی و تمر هندی و فلفل فراوان تهیه میشود
قولو = از کلمه و اسم غلام گرفته شده. امروزه به آدمی که ادعای داش مشتکی بودن و لات جوانمرد! بودن داره گفته میشه

ک

کا = مخفف کاکا یا همان برادر خودمون
از کافی شاپ گرفته شده. نام محلی در آبادان که پاتوق کارگران شرکت نفت و محل تفریح آنان بوده (kofeishe) = کفیشه
خانه های خشتی و گلی. نام محلّه ای در قدیم متعلق به کارگران شرکت نفت (kuater sholi) = کوآتر شلی

کا = داداش برادر

تره (سبزی) = (korrat) کرات
کوآتر شد = یعنی استراحت پزشکی

کلو = دیوانه

کم = شکم

کانتین = رستوران پالایشگاه
کرکاب = صندل زنانه (که از چوب و دو ب

ند چرمی ساخته می شد)

گ

گردو شکستم = بازی دخترانه
گیلاس = لیوان آبخور
گاری = وسیله بازی که با تخته و بربرنگ درست می کردند بازی تابستانه بوده
گاو - گوساله - فنگل - پنیر = بازی با کشیدن یک مربع و چهار گوش آن سنگ می گذاشتند
گران شاپوری = استودیو
گریپ پاژ = یعنی پیچوندش
گلوپ = باشگاه
گونی دله ای = سمساری - کسی که وسایل خراب جمع میکند
گلو = گربه
گرید = امتیاز. ترفیع اداری در شرکت نفت
گیت = دروازه بویژه، دروازه های پالایشگاه
گاز (gase) = گیس

ل

نام محله ای در آبادان نزدیک درمانگاه اقبال (lamsi) = لامسی
لب لبو = برخلاف ظاهرش این هم یکی دیگر از اسامی نخود گرمک است
انگلیسی به معنای کوی و کوچه گرفته شده. خیابانهای احمدآباد را با کلمه لین میشناسند Lane از همان (lein) = لین
شامل لین یک تا پانزده
لمر = شن
لیر = لجن
لاف = خالی بندی - چاخان
بد بخت - شلخته = (Lavoz) لوز
کوچه = (line لین)

م

فاضل آب = (men hol) منهول
ماه عسل = مخلوط خرما و شیر و کنجد
محمد بستنی = اسم یک بستنی فروش دوره گرد

ممدشيطون=اسم پلیسی با سبیلهای تاب داده بزرگ در آبادان قدیم
مانکور = لاک

مترویل = نام سینما

میلک بار = نام تریا در الفی بریم

مصطفی ریش = از بزین بهادرها و لوطیهای قدیم آبادان. وی هنوز زنده و در آبادان ساکن است

نام یکی از روستاهای عرب نشین آبادان = (manioohi) منیوحی

ن

نیم دری = پنجره

نقل پیرزن = ذرت بو داده

نی همبون(نی انبان) = ساز محلی (بندری)

نخلک = نام یک باشگاه

نایت کلاب = نام یک باشگاه

و

به معنای پسر بچه. از اصطلاحات رایج بین آبادانیها (volek) = ولک

وایر = کابل برق

وارد ماستر = مسئول بخش بیمارستان

ه

هوک = تکه ای که از آهن بشکل نعل بود و در حلقه در برای قفل کردن استفاده میشد

هوبیو = بازی پسرها در تابستان با یک تکه چوب کوچک و یک تکه چوب بزرگ بود و گفتن کلمه

هی دو = تاب بازی کردن

مهمانسرا = (hostel) هاستل

هزاریا = نام محله شرکتی کارگری

هلندیا = نام محله شرکتی کارگری

هفیز = دفتر یا آفیس

هفت حوض = نام محله ای در احمد آباد خیابان شیر و خورشید

ی

یک دو یک دو ترمز = نام بازی دخترانه